

دورنمای رابطه ایران و روسیه در پرتو تحولات داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی

سخنران افتتاحیه: دکتر منوچهر متکی - معاون محترم امور بین‌الملل مجمع جهانی تقریب مذاهب

سوم آبان ماه ۱۳۹۵

پژوهشکده مطالعات منطقه‌ای

دانشگاه شهید بهشتی

اشاره:

پژوهشکده مطالعات منطقه‌ای دانشگاه شهید بهشتی با همکاری مؤسسه ایراس نشستی را با عنوان «ایران و اوراسیای مرکزی: ۲۵ سال پس از اتحاد جماهیر شوروی» برگزار کرد. در این نشست که با متخصصان و پژوهشگران و دست‌اندرکاران داخلی در این حوزه برگزار شد، یک ربع قرن تجربه تعامل ایران و اوراسیای مرکزی مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفت. سخنران اصلی افتتاحیه این سخنرانی - جناب آقای دکتر متکی - وزیر سابق جمهوری اسلامی ایران و معاون امور بین‌الملل مجمع تقریب مذاهب اسلامی بودند که ضمن مرور تاریخی روابط ایران و روسیه، آینده روابط دو کشور را رو به جلو دانست و پیشنهادات ارزشمندی در این رابطه مطرح کردند که مشروح آن در زیر می‌آید.

مقدمه

سخن گفتن از روسیه کار آسانی نیست زیرا بررسی این کشور ابعاد و وجوه مختلف داخلی، منطقه‌ای و جهانی دارد. یک نوع بررسی می‌تواند بررسی تاریخی از روسیه تزاری تا فدراسیون روسیه باشد؛ می‌توان از منظر ژئوپلیتیکی و جغرافیایی موقعیت روسیه در میان سه قاره اصلی و همچنین در کنار این موضوع استراتژی‌های تهاجمی و دفاعی روسیه در جنگ‌های تاریخی، منطقه‌ای و جهانی، رقابت شوروی در رقابت تسلیحاتی، روسیه طرفدار مذاکرات خلع سلاح از سال ۱ و ۲، شوروی محصور در مرزهای آهنین مورد بررسی قرار گیرد.

در مقطع دیگری از تاریخ بررسی کشور روسیه می‌توان دوره گذار از شوروی به فدراسیون کنونی روسیه بر اساس برنامه گلاسنوست و پروستریکا، روسیه صادرکننده عظیم انرژی، جمهوری‌های مستقل اتحاد جماهیر شوروی سابق و کشورهای اروپای شرقی به دور از چتر آهنین روسیه، شوروی از گورباچف تا یلتسین و از یلتسین تا پوتین، روسیه درگیر مسایل داخلی و منطقه‌ای جدید نظیر اسلام‌گرایی افراطی در منطقه اوراسیای مرکزی، روسیه در گذر از نظام دوقطبی و گرایش به تعامل‌گرایی با غرب چندجانبه‌گرا و در نهایت دوستی‌های بعضاً استراتژیک روسیه با ایران. تمام این عوامل و مؤلفه‌های اساسی بررسی و پژوهش در مورد روسیه را بسیار پیچیده، چندوجهی و دشوار ساخته است.

مروری بر پیشینه روابط دو کشور ایران و روسیه

مناسبات ایران و فدراسیون روسیه‌ای به عنوان دو کشور همسایه خود داستان، حکایات و سرنوشت‌هایی دارد که باید در جای خود مورد بررسی قرار گیرد. در اینجا نیز باید از فرازونشیب‌ها، درس‌های عبرت‌آموز و طیفی از دوران تعارض تا همکاری و درک متقابل نیز پرداخت. اولین گام تلخ حاکم بر مناسبات ایران و روسیه از دوران تزار، بر پایه بی‌اعتمادی طرفینی بود. ایران از دوره تزار مسیر ویژه دسترسی به آب‌های گرم و منطقه بود و در سده بیستم حلقه واسط کمربند کنترل‌کننده شوروی سابق بود.

در عین حال در کنار این موضوع عامل دیگر تأثیرگذار بر روابط دو کشور تحولات درونی شکل‌گرفته در هر دو کشور است. اگر فروپاشی شوروی را که نقطه آغازین این نشست تخصصی است، در نظر بگیریم، در هر دو کشور شاهد تحولات درونی جدی هستیم. در این ۲۵ سال اخیر ما شرایط پس از جنگ تحمیلی عراق علیه ایران را داشتیم که وارد دوره بهبود اقتصادی و افزایش توانمندی دفاعی و امنیتی داخلی و منطقه‌ای بودیم. روسیه نیز در این دوره به دنبال بهبود فضای بد اقتصادی پس از فروپاشی شوروی و رفع بحران کسری توان و قدرت در رقابت با غرب بود. هر دو کشور به دنبال بهبود شرایط داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی خود پس از یک دوره بحران بودند که این نقطه اشتراک و زمینه‌ساز درک متقابل دو کشور بود. این زمینه درک متقابل و همکاری در ادامه مطلب بیشتر پرداخته خواهد شد.

دینامیزم قدرت و نیروهای سیاسی در محیط داخلی فدراسیون روسیه

در این ۲۵ سال اخیر پویایی قدرت داخلی فدراسیون روسیه تابع رقابت چهار نیروی سیاسی و اجتماعی مهم با رویکردهای مختلف و متفاوت است: گروه نخست «اوراسیاگرایان افراطی» بودند که شامل ژنرال‌های بازنشسته و اعضای حزب کمونیست سابق، نظامیان مسن و کهنه سربازها و تقابل‌گرایان دوره جنگ سرد را شامل می‌شد که اینها هیچ‌گونه تحولی را در فضای روسیه بر نمی‌تابیدند.

طیف دوم که در نقطه مقابل گروه نخست قرار می‌گیرند «آتلانتیست‌گرایان افراطی» هستند که راه‌برون رفت روسیه از بحران‌های ناشی از فروپاشی شوروی را تعامل جامع با غرب و شفافیت‌بخشی این تعامل می‌دانند. این گروه عمدتاً بر وجه اقتصادی تأکید داشتند و نیاز به توسعه و پیشرفت و مدرنیزاسیون را در غرب جستجو می‌کردند. بخشی از یهودیان مثل فریدمن، و همچنین ویکتور پروفسکی و آلخاندرو خودوروفسکی که در آن زمان در زندان بودند طرفدار این نگرش بودند.

سوم، «ناسیونالیست‌های غرب‌گرا یا آتلانتیست‌های ناسیونالیست» بودند که مدافع روابط خارجی با غرب بودند و با شرق هم مایل بودند باری به هر جهت مناسبات خودشان را داشته باشند. آقای دیمتری مدودف، آلکسی کوردین - نخست‌وزیر خوش فکر روسیه و جمعی از تکنوکرات‌ها و قشر متوسط جامعه و دانشگاهیان در این گروه دسته‌بندی می‌شوند.

گروه چهارم «اوراسیاگرایان ناسیونالیست» بودند که شامل کارمندان و سرویس‌های امنیتی، بخشی از نظامیان و بخشی از مردم که از ساختار درونی روسیه اطلاع خوبی داشتند، می‌شود.

در الیگارشوی روسیه، این جریان به رهبری ولادمیر پوتین ساماندهی شد که او را از استانداری سن‌پترزبورگ در اواخر دوره یلتسین، وارد دوره بحران اقتصادی ۱۹۹۸ به مسکو کشاند و به عنوان معاون نخست‌وزیر و پس از آن معاون رئیس‌جمهور و در نهایت امور این جمهوری را با توافق و عدم‌آمدگی یلتسین به دست گرفت.

تحولات پس از این در دو وجه قابل بررسی است: نخست این که توان بوروکراتیک این گروه چهارم در قالب «حزب روسیه واحد» آقای پوتین تقریباً ۸۰ درصد مردم روسیه از جمله افرادی در طیف سوم یعنی آقای مدودف را به خود جلب کرد. دو، تجربه واقع‌بینانه همکاری طیف سوم با چهارم، در دوره‌های حکمرانی‌های اخیر نخست‌وزیری و ریاست جمهوری پوتین و مدودف، آنها را بیش از پیش به هم نزدیک کرد و این تجربه موفق باعث جذب گروه نخست به این روند شد و در حال حاضر علی‌رغم برخی اختلافات و نقدهای داخلی این کشور، حاکمیت روسیه تا حد حدوداً ۹۰ درصد پایگاه مردمی دارد که این امر بسیار مهم است.

دورنمای روابط ایران و روسیه

همان‌طور که در بخش پیشینه روابط دو کشور مطرح شد، پس از فروپاشی شوروی و پایان جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، به‌واسطه اشتراکات درونی دو کشور برای بهبود موقعیت خود به سمت همکاری بر اساس این درک متقابل از وضعیت خود و تعامل با غرب گام برداشتند. مبنای کلیدی این روابط با سفر رییس‌جمهور وقت جناب آقای هاشمی رفسنجانی در سال ۱۳۶۸ پدید آمد و به اعتقاد من آن سفر و مذاکرات آن سفر، اولین گفت‌وگوهای جدی دو کشور برای یک برنامه‌ریزی بلندمدت و نقشه راه همکاری‌های بعدی را تشکیل می‌دهد. بسیاری از همکاری‌های نسبتاً گسترده نظامی، همکاری روسیه در ساخت نیروگاه بوشهر، همکاری اقتصادی و انرژی و به‌ویژه اراده دو کشور برای تأسیس اوپک گازی بعد از این تماماً به آن سفر بازمی‌گردد.

اما چرا این درک متقابل به سمت یک روابط استراتژیک پیش نرفت و ساختارهای اساسی دو کشور با هم گره نخوردند، به تمایل لایه‌هایی از دو کشور برای تعامل با غرب، از بین رفتن همه رگه‌های بی‌اعتمادی گذشته و البته وجود مخالفینی برای توسعه روابط فی‌مابین بازمی‌گردد.

در عین حال تهران و مسکو نشان دادند که در حوزه‌هایی از مناسبات دوجانبه و همکاری‌های منطقه‌ای به درک مشترک رسیدند و گام مشترک برداشتند، چرا این امکان در سایر زمینه‌ها ایجاد نگردد؟ حداقل سه وجه مشترک برای گسترش روابط وجود دارد: نخست این که تحریم اقتصادی غرب و اروپا علیه ایران و روسیه، یک فرصت جدید بود که می‌تواند روابط دو کشور را وارد فاز جدیدی نماید. اما همچنان ساختارهای اصلی دو کشور با هم ترکیب نشدند.

دو، من در دوره مسوولیت‌م به عنوان وزیر امور خارجه مصاحبه ۱۱ صفحه‌ای پیرامون مسایل اوراسیا و قفقاز و تحولات آن موقع در رابطه با گرجستان داشتم که از آن کمک می‌گیرم و تمایل دارم دو کشور ایران و روسیه را به سوی ساختارسازی منطقه‌ای دعوت کنم. در اروپا، اتحادیه اروپا وجود دارد، در آسیا مجموعه‌های گسترده‌ای مثل آ.سه.آ.، آکو، سارک، و شانگهای دارد اما اتحادیه آسیایی نداریم. من مجموعه مکتوبی در زمینه اتحادیه آسیایی دارم که اگر خداوند توفیق دهد، ممکن است آن را منتشر کنم. در مجلس هفتم و آغاز وزارت اینجانب اتحادیه بین‌المجالس آسیایی را تشکیل دادیم که دبیرخانه آن در ایران است. گرچه بخشی از روسیه در اروپا است، اما جزء اتحادیه اروپا نیست و بخش اعظمی از روسیه در آسیا است. روسیه می‌تواند در این ساختارسازی آسیایی نقش داشته باشد. این اراده هنوز بروز و ظهور نکرده است. در عین حال ما می‌توانیم در شرایط کنونی در قالب شانگهای در موضوعات مهم امنیتی، مبارزه با مواد مخدر و مسایل دیگر با هم کار جدی کنیم، چون اتحادیه‌سازی راه‌کار مهمی برای توانمندسازی منطقه‌ای است.

سومین دلیل دورنمای مناسب دو کشور مخالفت ایران با آمریکا و تلاش آمریکا برای کنار زدن روسیه از تحولات غرب آسیا است. بعد از آزادسازی کویت جرج بوش پدر در سال ۱۹۹۰ مصاحبه‌ای می‌کند و اعلام می‌دارد که «ما فقط برای آزادسازی کویت نیامدیم؛ ما آمدم سرنوشت یک‌صد سال آینده منطقه را رقم بزنیم».

اگر توجه کرده باشید، ترمینولوژی‌های نظم نوین جهانی و جهانی شدن در آن زمان فراگیر شد. این زمان پس از فروپاشی شوروی است و آمریکا در آن زمان به مدت ۱۵ سال با ناکارآمدکردن سایر سازوکارهای منطقه‌ای مثل اتحادیه اروپا که هنوز ادامه دارد، سعی کرد که یکجانبه‌گرایی را به نفع خود در دنیا رقم بزند که موفق نشد. روسیه در آن زمان می‌توانست بزرگترین چالشگر برای مقابله با این یکجانبه‌گرایی باشد که درگیر مسایل داخلی خود بود. آمریکایی‌ها نزدیک به دو دهه و روسیه کمی بیش از دو دهه از این جدال داخلی و بین‌المللی متأثر بود. من در دیدار با آقای لاوروف وزیر خارجه روسیه مکرر از تصویر آنها از آمریکا در قبال روسیه را جويا می‌شدم؟ ایشان نیز یکجانبه‌گرایی حکمرانی جهانی هدفمند آمریکا به نفع خودش و به ضرر روسیه را تأیید می‌کردند.

ورود روسیه به تحولات سوریه و مباحث منطقه‌ای به نظر من باید ۱۲ سال قبل صورت می‌گرفت؛ زمانی که کامیون حامل اسناد سفارت روسیه در بغداد با توافق قبلی در حال خروج بود، مورد حمله هواپیماهای آمریکایی قرار گرفت. امروز نیز ورود روسیه به منطقه ناشی از اشتباه راهبردی غرب در ایجاد تصویر اسلام به عنوان دشمن جدید بر اساس نظر هانتینگتون و تأسیس گروه‌های افراطی مثل داعش برای تخریب منطقه بود. آمریکا می‌خواهد در منطقه غرب آسیا نقش کلیدی و راهبردی داشته باشد و در این نقشه حذف و تسلیم روسیه محور بحث است. روسیه نیز نه از باب تعارض، بلکه از همان زوایه همکاری باید نقش آفرینی کند و جلوی بحرانی که غرب در منطقه به‌طور یکجانبه با خلاء حضور روسیه دنبال کرده را بگیرد.

جمع‌بندی

ما در روابط خود با روسیه دو نوع رویکرد می‌توانیم داشته باشیم: نخست رویکرد خوش‌بینانه که منتظر باشیم همه کارها درست شود و زمینه مناسب برای همکاری طرفین برقرار گردد که این رویکرد منتظر فرصت مناسب تاکنون موفق نبوده است. رویکرد دوم رویکرد واقع‌بینانه است که ضمن این که به افق‌های همکاری می‌اندیشیم و طراحی می‌کنیم، موانع را نیز شناسایی کنیم. ما در آسیای مرکزی حضور بسیاری داشتیم اما به اندازه تالشتمان موفق نبودیم. شاید لازم است در مواردی روسیه در مسایل منطقه‌ای خود تجدیدنظر کند. موضوع گرجستان و فعالیت‌هایی که آن زمان ما می‌توانست الگویی برای همکاری باشد. ما با تمامی طرف‌های درگیر مثل گرجستان و روسیه، اروپا به‌ویژه آلمانی‌ها و فرانسوی‌ها ارتباط برقرار کردیم و راهکارهای چندجانبه منطقه‌ای را دنبال کردیم. این روال می‌توانست از واکنش تند و جدی روسیه جلوگیری کند. دخالت ما و کمی اروپاییان باعث شد تا موضوع خاتمه یابد. در مورد افراط‌گرایی در سراسر آسیای مرکزی و حتی چین سازوکارهای منطقه‌ای بهتر قابلیت اجرا با کمترین هزینه را دارد. کلام آقای لاوروف مبنی بر این که برای ایران زمینه در شانگهای وجود دارد، می‌تواند یک نگرش نو و سازنده در این زمینه می‌تواند باشد. امیدوارم این نشست در این مسیر همکاری‌های سازنده در آینده موفق باشد.